

وبژه‌نامه ۱۴۳۹



وبژه‌مام زمان علیه السلام



لر عاشت و هزار دل عتمی نند

بیاکه در غم عشقت مشوشم بی تو



احمدیه

فرهنگ اربعین

ادبیات

فرهنگ اربعین، تمرینی برای حضور در رکاب ولی عصر

شاید بتوان گفت راه‌پیمایی بی‌نظیر و پرمعنای اربعین که «بدون تردید از جمله شعائر الهی است» و در آن هم «یمان، اعتقاد قلبی و باورهای راستین» موج می‌زند و هم «عشق و محبت»، فرصت معنتمی است برای اعلام آمادگی و تمرینی برای حضور در رکاب امام زمان علیه السلام: «ما با خودمان عهد کرده‌ایم و عهد می‌کنیم که یاد حسین، نام حسین و راه حسین را هرگز از زندگی خودمان جدا نکنیم». (۱۳۸۵/۰۱) پس «مانیز از دور به حال زائران اربعین غبطه می‌خوریم» و آرزو می‌کنیم ای کاش همراه شما بودیم...
«یالیتناکا معمک فتفوز فوز اعظم» (۱۳۹۴/۰۹/۰۹)

مقام معظم رهبری (منظمه‌های اسلامی)



ایران کتابخانه امام خمینی

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ به منظور ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت و آشنازی اقشار جامعه - به ویژه نسل جوان - با شخصیت امام مهدی علیه السلام و تحکیم پایه‌های امامت و ولایت، پس از کسب موافقت مقام معظم رهبری از سوی حضرت حجت‌الاسلام والملیمین قرائتی در تاریخ ۱۳۷۹/۰۹/۰۳ تأسیس گردید.

شوق زیارت

کامل الزیارات صفحه‌ی ۱۴۲، باب ۵۶، حدیث ۳

لَوْيَعْلَمَ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ الْحُسَينِ مِنَ الْفَضْلِ لَمَأْتُوا شَوْقًا

اگر مردم می‌دانستند در زیارت قبر امام حسین علیه السلام چه فضیلی وجود دارد، قطعاً از شوق زیارت جان می‌دادند.

و هر گوشه‌ی این خاک شده کرب و بلا
آه از این غم
الا صاحب آن بیرق و پرچم
ابالفضل علمدار، الا سید و سالار
به آن خطبه میدان و رجزهات نیاز است
زمین تشنه و در سوز و گذار است
به امداد بیا تا گره از کار گشایی
تو محبوب ترین عید خدایی
دعایی بکن ای فاتح میدان برسد منجی دوران
زمین غرق شد از خون شهیدان
بیا منتقم خون خدا ای گل زهرا
به پایان برسان دوری خود را
زمین سیر شد از داغ نبود
که دل بسته جهانی به وجودت
تویی راه حقیقت، زمین خیره از آن ذکر بلیغت
تویی منجی آخر، تویی وارث و همنام پیغمبر
رسیده است زمانی که بیایی، به آخر برسد کاش جدایی
و رسد روز رهایی، و ایمان من این است
تو از راه میایی و میایی و میایی

شاعر: امیر سليمانی

۲
شوق زیارت است مرا اربعین رسید
دیگر چه طاقت است مرا؟ اربعین رسید
یک سال آزگار دلم بود و این سوال:
آیا لیاقت است مرا؟ اربعین رسید
گفتم که لااقل ز علامات مومنین
این یک علامت است مرا اربعین رسید
شور قیامت است به پا گرد مضجعت
آه است و حسرت است مرا اربعین رسید
داغ است و غربت است به دل، رفت کاروان
اشک است و خجلت است مرا اربعین رسید
جا مانده ام ز قافله کربلایان
شوق شهادت است مرا اربعین رسید
من هم یکی ز چله نشینان ماتممت
اجر مصیبت است مرا اربعین رسید
از دور هم سلام مرا می‌دهی جواب
لطف تو عادت است مرا اربعین رسید
احسان بی حد است تو را ایها العزیز
اشکم بضاعت است مرا اربعین رسید

شاعر: میلاد عرفان پور

۱
شده ام باز هوایی به سرم شوق زیارت زده انگار
چنان سرخوشم این بار
که تا کرب و بلا قدرت پرواز مهیاست
که سر منزلم آنجاست
و بین الحرمین آخر دنیاست
سلامم به شهیدان خدایی
به هفتاد و دو دلداده یل کرب و بلایی
شما در دلنان واهمه ای نیست
به جز ذکر خدا بر لبان زمزمه ای نیست
مهیای نبردید، که آزاده و مردید
بیایید به دور سر ارباب بگردید
دریغی ز فدایی شدن خویش نکردید
به گوش همه‌ی مردم دنیا پرسانید
اگر دل نگرانید، بیایید که باز است در باغ شهادت
بیایید، اگر مانده کمی جرئت و غیرت
بیایید به آخر نرسیده است، شب سرخ رشادت.
بیایید که این خاک عتبات است
بیایید که ارباب قتیل العبرات است
شهادت به خدا راه نجات است
نمایید در این عالم فانی
که این راه بهشت است و حسین است نشانی
به فدای سر ارباب جوانی
سلامم به شمایی که دل از غیر بُردید
و جز نور خدا هیچ ندیدید
حسین گفت بیایید و رسیدید.
به دنیا چه نیاز است که در سینه یتان سوز و گذاز است
به خون خفتن تان عین نماز است
خدا خواست به تکبیره الاحرام رسیدید
زمان رفته ولی کرب و بلا فرق نکرده است
که جنگ است و نوا فرق نکرده است
ز هر گوشه صدا می‌رسد از کودک شش ماهه ارباب
وانگار لبی می‌شکفده در طلب آب
ز چشمان حرم خواب پریده است
رسیدند که زینب به اسیری نرود باز
و جنگی شده آغاز، مهیا شده پرواز
یقین حرمله و شمر همین آل سعود است
که دریوره در گاه پیهود است
که آغوش به کفار گشوده است
واردوی یزیدان زمان کاخ سفید است
بدانید که تاریخ به تکرار رسیده است



راه عشق

شما بینید برای اینکه ده هزار نفر، پنجاه هزار نفر را یکجا جمع کنند، چقدر تلاش تبلیغاتی در دنیا انجام می‌گیرد، آخرش هم نمی‌شود. اینجا با وجود مواعن فراوان، از ایران فقط دو میلیون نفر برای پیاده روی هشتاد کیلومتری -برای پیاده روی، نه برای لذت بردن و در هتل لمیدن- بلند می‌شوند، می‌روند کربلا؛ چند برابر آن [هم] از خود عراق و از مناطق دیگر؛ این یک حادثه‌ی الهی است، این یک پدیده الهی است؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که این راه، راه عشق است؛ منتها نه عشق مجنونانه، عشق همراه بصیرت؛ مثل عشق اولیا به خدا؛

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصَلُنِي إِلَى قَرِبِكَ،

این حب و این عشق، عشق همراه با بصیرت است؛ می‌داند، می‌فهمد و این جاذبه او را می‌کشد، این مغناطیس او را می‌کشد. خب، بنابراین کار، کار بزرگی است؛ پدیده، پدیده‌ی عظیمی است.
(مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی))

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی ج ۹۱ ص ۱۴۸؛ مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، مناجات خمسه‌ی عشر، مناجات محبین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي ذَاقَ حَلَاوةَ مَحِبَّتِكَ فَرَأَ مَنْكَ بَدَلًا... يَعَايَةً أَمَالِ الْمُحِبِّينَ أَسْلَكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصَلُنِي إِلَى قَرِبِكَ ...
ترجمه:

ای خدا چه کسی است که مزه شیرینی دوستی‌ات را چشیده باشد و غیر تو را بجای تو اختیار کند....
ای نهایت آرمان دوستان از تو می‌خواهم دوستی تو و دوستی هر که دوست دارد و دوستی هر کاری که مرا به قربت برساند

امروز این مراسم اعزاداری سیدالشهداء از صد سال پیش که تدین مردم به حسب ظاهر، معارضینی مثل معارضین امروز هم نداشت، خیلی گرمتر، گیراتر، پرشورتر و گسترده‌تر دارد انجام می‌گیرد؛ همه‌ی اینها معنا دارد، همه‌ی اینها نشان‌دهنده‌ی یک حقایقی و یک جریانی است که به رهبری حسین بن علی (سلام‌الله‌علیه) دارد در دنیا پیش می‌رود؛ و ان شاء‌الله پیش خواهد رفت و کارگشا خواهد بود و گرهای ملت‌هارا باز خواهد کرد.

(مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی))



مصیبت هزار ساله



فرموده‌اند که در آخر الزمان این دعای فرج را که دعای تثبیت در دین است، بخوانیم:
یا الله، يار حسین يار حیم يام قلب القلوب بثقلی علی دینک.
توسلات، عزاداری‌ها و زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام عالمت آن است که اهل ایمان به آن‌ها اتصال دارند و هنوز از آن منحرف نشده‌اند.

میراث اهل بیت

این همه ودایع، کتب، مخازن علم، روایات و ادعیه در اختیار ما گذاشته‌اند، به گونه‌ای که اگر کسی بخواهد امامی را حاضر بیابد یا صدایش را زنوار گوش دهد یا در خدمتشان باشد تا مطالب آنها را استماع^۱ کند (نه اینکه خود در محضر آنها صحبت کند) بهتر از اینها پیدانمی‌کند. همه چیز در دسترس ماست، ولی حالمان مانند حال کسانی است که هیچ ندارند؛ نه به قرآن قائل اند نه به عترت و نه روایات آنها را قبول نارند! اگر ائمه اطهار علیهم السلام حاضر بودند، باز باید به همین روایتشان عمل کنیم. لابد عذرمن این است که در صورت حضور آنها هم مجبور نبودیم از آنها پیروی کنیم و به حرفاشان گوش کنیم، چنانکه در طول تاریخ امتحان داده ایم که در زمان حضورشان قدردان آنها بوده‌ایم!

۱. سقیفه نام محلی است که پس از رحلت پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم، عده‌ای از اصحاب آن حضرت در حالی که هنوز بدن مبارک ایشان دفن نشده بود، در آنجا تجمع کردند و با وجود وصیت صریح پیامبر به جانشینی امیرالمؤمنین صلوات الله عليه و آله و سلم، ابوبکر را به عنوان خلیفه انتخاب کردند.

۲. میراث علمی به جامانده از ائمه علیهم السلام
۳. شنیدن، گوش فرادادن

وقتی تأمل می‌کنیم می‌بینیم که تمام قضایای امام حسین علیه السلام در یک روز واقع شد و وقتی مردم کوفه و بصره از قضیه قتل آن حضرت مطلع شدند، نراحت شدند و از بدلای آن حضرت و شهادت و اسارت اهل بیت علیهم السلام خدا می‌داند که اهل ایمان چقدر نراحت بودند، به حدی که گویا بلورشان نمی‌شد. در طول این مدت دل اهل ایمان خون بود. اما مابیش از هزار سال است که گرفتاریم و حضرت حجت علیهم السلام گرفتار است و دشمن‌ها نمی‌گذارند بباید او را حبس کرده‌اند. آیا حبسی از این بالاتر که نتواند خود را در هیچ آبادی نشان دهد و خود را معرفی کند؟! در این مافوق هزار سال که آن حضرت در زندان است، خدا می‌داند که قلوب اهل ایمان چقدر خون است. آیا شایسته است که حضرت غائب علیهم السلام در مصائب و گرفتاری شبیه قضیه حسین بن علی صلوات الله عليه و آله و سلم، به این مدت طولانی گرفتار باشد و ما شادی کنیم؟!

تاریخ تکرار می‌شود.

انسان هر راهی را بدون تقیید و پایبندی به قرآن و سنت برود، روز به روز تنزل می‌کند و تاریخ از جمله قضایای سقیفه^۲ و پیامدهای آن، مانند واقعه طف، هر روز تکرار می‌شود؛ زیرا هر روز حقی غصب یا احراق می‌شود و همیشه حق و باطل مثل حسین و بیزید وجود دارد و کار مردم هم یا جنگ در کنار بیزید و یا در رکاب امام حسین صلوات الله عليه و آله و سلم است. بنابراین، انسان باید هر روز موضع خود را مشخص کند که آیا اهل حق است یا باطل و پیروان.



بِرْصَاطِ مُسْتَقِيمٍ

عَذَابَ الدُّنْيَا

فِرْجَةَ الْمُتَرَفِّ

اشتراکات قیام امام حسین علیه السلام و امام مهدی علیه السلام

ب. شرایط اجتماعی یکسان

قیام امام حسین علیه السلام در زمانی صورت گرفت که جامعه اسلامی، به شدت به سمت فساد و تباہی سوق داده می شد و حاکمان فاسد و ظالم، در رأس آن قرار گرفته بودند. شرایط به گونه‌ای بود که امام حسین علیه السلام فرمود:

«الآترونَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعَمَّلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَاهَى عَنِهِ»؛^۱

«آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌گردد؟»^۲

طبق روایات، همین شرایط در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز پیش خواهد آمد. بر اساس بسیاری از روایات، آن حضرت، هنگامی که از پشت پرده غیبت خارج شوند ظلم و تباہی، توسط حاکمان جور، جهان را فرا گرفته و مردم از زندگی، نالمید شده اند. چنانچه امام صادق علیه السلام در این باره فرموده اند:

«بِهِ خَدَا سُوْكَنْدِ؛ أَنْ چَهْ چَشْ بِهِ رَاهْشْ هَسْتِيْدِ، فَرَا نَمِيْ رَسَدْ مَغْرِ بَعْدِ ازْ يَاسْ وَ نَالْمِيْدِ».^۳

د. موانع و مشکلات

از دیگر وجوده مشترک عاشورا و انتظار، موانع و مشکلاتی است که بر سر راه هر دو، وجود دارد. قیام امام حسین علیه السلام در شرایط بسیار سختی صورت گرفت؛ به طوری که هم اکنون، پس از چهارده قرن، شیعیان به یاد مصیبتهای و مظلومیت‌های امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت، اشک می‌ریزند.

اصول انقلاب‌های پایدار و جهانی، همواره با ریخته شدن خون، به ثمر می‌نشینند. قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز از این ویژگی مستثنی نیست و آن هم با ایثار و جانبازی آن حضرت و یارانشان، به پیروزی خواهد رسید.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «لَنْبُوْنَكُمْ شَيْءٌ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ...»^۴ می‌فرمایند:

«لَوْ قَدْ خَرَجَ الْقَائِمُ نَمَامِ كَنِ الْأَعْلَقُ وَالْعَرَقُ وَالْقَوْمُ عَلَى السُّرُوجِ»؛^۵

«هنگامی که قائم مقاوم کند، خون است و عرق ریختن و سوار بر مرکب‌ها بودن».^۶

الف. مکه و کوفه، خاستگاه و پایگاه مشترک

امام حسین علیه السلام، نهضت خود را از مکه آغاز کردند؛ یعنی پس از خروج از مدینه، به مکه آمدند، در کنار بیت الله الحرام، از قیام خود به مردم خبر دادند و آن گاه به سمت کوفه حرکت کردند.

بر اساس روایات، امام مهدی علیه السلام نیز پس از ظهره، در مکه، جهانیان را به بیعت با خود فرامی خوانند و آن گاه حرکت‌های اصلاحی را شروع خواهند کرد و پس از اتمام قیام و برقراری عدل در سراسر جهان، مقر حکومت خویش را در کوفه قرار خواهند داد. چنان‌چه،

حضرت امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «يَخْرُجُ مِنْ مَكَّهْ هُوَ وَمَنْ مَعَهُ الْثَلَاثَ مَاهٌ وَبِضْعَةَ عَشْرَ سِيَّارَوْنَهُ بَيْنَ الْزَكْرِ وَالْمَاقَمِ»^۷؛ «خروج می‌کند از مکه در حالی که سیصد و آندی نفر با او بیعت می‌کنند».

ج. حامیان و یاران

در حادثه کربلا، یاران اندکی، امام را همراهی کردند که سرانجام نیز همگی به شهادت رسیدند؛ اما همین عده قلیل، نسبت به امام حسین علیه السلام پاک باخته بودند که مرگ در رکاب آن حضرت را الفتخار می‌دانستند.

اباعبدالله علیه السلام در توصیف ایشان می‌فرمایند: «فَإِنَّ لَا أَعْلَمُ أَصْحَابَاً أَوْلَى وَ لَا خَيْرَاً مِنْ أَصْحَابِي»^۸؛ «همانا من یارانی والاتر وبهتر از یاران خود، سراغ ندارم».

در نهضت حضرت حجت علیه السلام نیز از سیصد و سیزده نفر به عنوان یاران خاص، یاد می‌شود که کاملاً مطیع و شیفتگان امام خود هستند: «هُمْ أَطَوْعَ لَهُمْ مِنَ الْأَمْمَةِ لِسَيْدِهَا»؛^۹ «آن نسبت به مولای خود، مطیع تراز کنیز هستند».

بنابراین، همان طور که حماسه عاشورا با جانبازی عده‌ای اندک، رقم خورد قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز با محوریت عده‌ای اندک، اما پاک باخته به انجام خواهد رسید.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۵

۲. تحف العقول، محمد حسن حرانی، نشر اسلامی، قم، ج

دوم، ش ۱۳۶۳، ص ۲۴۵

۳. الغيبة، ص ۳۳۶

۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹

۵. همان، ج ۵۲، ص ۳۰۸

۶. «والبته شماره پاره ای از سختی ها چون ترس و

گرسنگی و... می از ماییم»؛ سوره بقره، آیه ۱۵۵

۷. همان، ج ۵۲، ص ۵۹

وفای بعده

یکی از مسائل حیاتی نظام سیاسی اجتماعی اسلام عهد و پیمان و وفای به آن است.^۱ امام علی علیه السلام به مالک اشتر می فرماید: در میان واجبات الهی هیچ موضوعی همانند وفای به عهد در میان مردم جهان با تمام اختلافاتی که دارند، مورد اتفاق نیست.^۲ همچنین در سوره مائدہ، آخرین سوره‌ای که بر پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم نازل شده است تاکید بر این مسئله شده و خداوند از مؤمنان درخواست می کند که باید به عقد و پیمان‌های خود وفادار باشند.

در آیه اول سوره مبارکه مائدہ می فرماید: يَا أَيُّهُ الَّذِينَ آتُوكُمْ مِّنَ الْأَوَّلِ عَهْدَنَا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عقد و پیمان‌های خود وفا کنید. علامه طباطبائی در ذیل این آیه در تعریف عقد می فرماید: گره زدن و بستن چیزی به چیز دیگر به نحوی که به خودی خود از یکدیگر جدا نشود، که در همه امور مادی و معنوی بکار می رود. ایشان در ادامه عقد راهمن عهد می شمارند و می فرمایند که عقد و عهد شامل همه پیمان‌های الهی می شود.^۳ در این معنی عقد مفهوم وسیعی دارد و همه پیمان‌ها و قراردادها و خصوصاً بیعت با امام زمان صلوات الله علیه و آله و سلم را نیز شامل می شود.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال از آیه اول سوره مائدہ می فرماید: مقصود همه پیمان‌ها است.^۴ وقتی واقعه کربلا را بازخوانی می کنیم می بینیم که واقعادر این عالم هستی هیچ کس با وفات از یاران امام حسین علیه السلام نیست.^۵ چرا که امام حسین علیه السلام از پوشش شب بهره جست و بیعت خویش را از آنان برداشت.^۶ اما آن‌ها سخن از مروت و وفا گفتند. سید بن طاووس در لهوف می نویسد: اولین کسی که ایراد سخن کرد، حضرت عباس علیه السلام بود. او فرمود: آیا توارها کرده و تنها بگذاریم و برویم و بخواهیم که بعد از تو زنده بمانیم؟ لا از الله ذلك ابدا: خداوند هرگز چنین چیزی را برابر مانخواهد.^۷

آن حضرت با وفای تمام، امان نامه دشمن را نپذیرفت و بالتب تشنه و بدنی قطعه قطعه جانش را تقدیم امام زمانش نمود. عملکرد حضرت عباس علیه السلام در آن زمان دست مایه برای عمل در تمام زمان ها است.

با توجه به وفای آن حضرت، وظیفه شیعیان در این زمان در برابر امام زمان علیه السلام رخ می گشاید ما که با امام عصر علیه السلام عهد بسته‌ایم که جان و مال و خویشان و همه آنچه که خداوند به ما ارزانی داشته فدایش کنیم و به پایش برویم پس باید مانند عباس باشیم. در زیارت حضرت صاحب الامر در مفاتیح می خوانیم:

اَيْنَ عَهْدٍ وَّپِيَمانٍ مِّنْ بَدْلٍ وَّنَزْدٍ شَمَاسْتَ كَهْ در رَكَابِ شِيمَا بَادْلَ جَانَ وَمَالَ وَفَرْزَنْدَانَ وَخَانَوَادَهَ وَهَمَهَ آنچَهَ رَاكَهْ پَرَورَدَ گَارَمَ بَهْ مِنْ عَطَا كَرَدَهْ، نَشَارَ كَنَمْ: ... فَانْتَلُقْسِيَ وَمَالِيَ وَقَوْلِيَ وَأَهْلِيَ وَجِيعَ مَأْخَوَانِي رَبِّيَ بَيْنَ يَدَيْنَكَ وَالثَّصْرَفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَهَنِيَكَ^۸

۱. بحار الانوار، ج ۶۴ ص ۱۸۱

۲. نهج البلاغه نامه ۵۳

۳. تفسیر المیران ذیل آیه اول سوره مبارکه مائدہ

۴. تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲۸۹

۵. بحار الانوار، ج ۳۶ ص ۲۵۳

۶. بحار الانوار، ج ۴ ص ۲۹۳

۷. لهوف ص ۹۱

۸. مفاتیح الجنان، زیارت مخصوص حضرت صاحب الامر علیه السلام



پی از محبت

یکی از ملاک‌های ارزیابی و سنجش رابطه دو فرد، تعاملات بین‌الاثنینی و میزان عبارات محبت‌آمیزی است که میان آنان مبادله می‌شود.

البته بعضاً تعابیر ریاکارانه نیز در روابط افاده‌جود دارد، اما عبارات خالصانه و عاشقانه، هیچ‌گاه با تملقات ساختگی، مخدوش نمی‌شود و طریق بازناسی میان آنان، بسیار آسان است.

یکی از راههای برآورده میزان پیوند میان عاشورا و انتظار، رابطه عاطفی و تعابیر محبت‌آمیزی است که میان امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد.

البته روابط عاشقانه و خالصانه میان تمامی معصومین علیهم السلام، به حدی است که می‌توان گفت بسیار بالاتر از حد روابط انسان‌های عادی است؛ چرا که عشق و عطفوتی که معصومین نسبت به یکدیگر داشته‌اند، رنگ الهی داشت.

برای مثال، رابطه خاصی که میان حضرت علی علیه السلام و پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم یا حضرت زهرا صلوات الله علیها و آله و سلم برقرار بود را هرگز نمی‌توان در محدوده روابط خویشاوندی محصور کرد.

بر همین اساس، رابطه طرفینی امام حسین علیه السلام - قهرمان نهضت عاشورا - و حضرت مهدی علیه السلام - قهرمان نهضت انتظار - نیز بسیار فراتر از رابطه پدری و فرزندی است. چرا که در جملات زیبا و خالصانه ایشان نسبت به یک دیگر، صبغهٔ خدایی دیده می‌شود.

چنان‌چه، مهدی موعود علیه السلام، تعجیل در فرج خود را با عزاداری بر امام حسین علیه السلام پیوند زده است:

«لَنْ يَأْدُغُ الْوَمْنَ ذَكْرُ مَصِيَّةِ جَاتِيَ التَّهِيدِ كَمْ يَدُغُ الْوَالِيَّ تَعْجِيلُ الْفَرْجِ وَالتَّلِيدِ»^۱

«همان‌مان، من برای فرد مؤمنی که مصیبت جد شهیدم را به یاد آورد

و سپس تعجیل در فرج و تأیید من را از خدا بخواهد، دعا خواهم کرد».

عبارتی از حضرت مهدی علیه السلام در رثای امام حسین علیه السلام نقل شده، چنان سوزناک است که در ک آن، از توان انسان خارج می‌شود:

«السلام على الحسين الذي سَهَّلتْ نَفْسَهُ لِسَخْنَةِ إِلَاسْلَامِ، السَّلامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِي سِرْزَوْعَلَاتِيَّةِ»^۲

سلام بر حسین؛ کسی که جانش را قربانی حفظ اسلام کرد.

سلام بر کسی که خداوند را به صورت آشکار و پنهان اطاعت می‌نمود».

«السلام على المُعْلِيِّدِمُاجْرَاحِ، السَّلامُ عَلَى الْمَطْعُونِ الْوَتِينِ، السَّلامُ عَلَى الشَّهِيدِ الْخَنَبِ، السَّلامُ عَلَى الْحَدَّالَّرِيبِ...»^۳

سلام بر کسی که با خون زخم‌هایش غسل داده شد؛

سلام بر رگ بریده گردن؛ سلام بر محسن خونی؛ سلام بر گونه‌های به خاک افتاده...»

با توجه به روایات حضرت اباعبدالله علیه السلام نیز همواره به یاد مهدی موعود علیه السلام بوده‌اند. به ویژه روایاتی که امام حسین علیه السلام در آن، از آمدن شخصی از نسل خودشان خبر می‌دادند که پس از غیبت ظهور خواهد کرد و اهداف ناتمام عشور را به بار خواهد نشاند.

هم‌چنین، در دعای روز ولادت امام حسین علیه السلام از امام مهدی علیه السلام یاد می‌شود و در روز عاشورا و زیارت این روز، نام و یاد مهدی علیه السلام، تسلی بخش قلوب سوزان شیف tegان اهل بیت علیهم السلام است.

از این روابطی استوار و اکنده از عشق و عطفوت، میان این دو امام وجود دارد و همین امر، میان عاشورا و انتظار، پیوندی از سلک احساسات و عواطف الهی، برقرار کرده است.

۱. مکیال المکارم، محمد تقی موسوی اصفهانی، مطبوعه علمیه، قم، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۶

۲. بخار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۱۸

۳. همان، ج ۱۰۱، ص ۳۱۷-۳۲۸



بہشت روی زمین

روایت شده که در عالم معنا زمین مکه بر خود بالید که کدامین زمین یه شرافت من است که خداوند بیت خود را بر من بنادرد است: «إِنَّ أَرْضَ الْكَعْبَةِ قَالَتْ مُثْلِي؟ وَقَبَّقَ اللَّهُيَّةَ عَلَى ظَهْرِي...» و مردم از دور و نزدیک برای زیارت من جمع می شوند و خداوند مرا حرم امن خود قرار داد

در روایت آمده که خداوند به زمین مکه فرمود: بر جای خود بنشین! «كُلُّ وَقْرَى...» که اگر زمین کربلا و دردانه ای که در میان دارد نبود، هرگز تو و خانه روی تو را خلق نمی کردم. عجیب آنکه در ادامه می فرماید که اگر حریم خود را در مقابل ولایت حفظ نکنی، تو را به جهنم خواهم انداخت! (کامل الزیارات، النص، ص: ۲۶۷)

از همین روست که بزرگان مانسبت به کربلا تأدبی داشتند که در مورد مکه نبود و این قطعاً از روی احساسات نبوده است. به عنوان مثال از حضرت سجاد[ؑ] روایت شده که روزی به مکه وارد شدند و مردم رادر حال طواف دیدند، ایشان به یکی از اطرافیان فرمودند عمل ایشان مانند عمل اعراب جاهلیت قبل از اسلام است. یعنی اگر اعتقاد به ولایت که روح توحید است در اعمال نباشد، طواف کعبه نیز با مناسک جاهلیت فرقی ندارد.

... آثار تربیتی زیارت اربعین ...

* بنابر روایات، همین که شخص به قصد زیارت از درب خانه اش خارج می شود زائر محسوب می گردد و هر سختی و گرفتاری و زیانی که در راه متحمل گردد به حساب زیارت نوشته می شود.

* مطمئن باشید که همه زائران کربلا مورد عنایت و لطف حضرت هستند، امامیزان و مرتبه عنایت بستگی به اندازه طهارت و معرفت زائر دارد.

* بنابر دو مقدمه بالا، تلاش کنید که ادب زیارت را از همان ابتدای راه رعایت کنید، که اگر نسبت به رعایت حریم‌های الهی کم توجه باشیم، عنایات هم کم می شود.

* متوجه این نکته باشید که در راهپیمایی نجف تا کربلا در واقع در مسیر حرکت کاروان اسرا قدم گذاشته اید، لذا خوش و بش‌ها و بگو بخندهار ابه حداقل برسانید.

* سعی کنید طی راهپیمایی، پیوسته مشغول به ذکر زیارت عاشورا باشید؛ به این کیفیت که ابتدای زیر آسمان دو رکعت نماز زیارت بخوانید، بعد لعن بر قاتلان حضرت بفرستید، سپس در حال حرکت زیارت عاشورا را بخوانید و لعن و سلام‌های صدگانه را نیز کامل ذکر کنید و چه بهتر که با تسبیح تربت این کار را نجام دهید، بعد زیارت را تمام کرده و سجده آنرا به جا آورید و پس از آن اگر دعای علقمه رانیز بخوانید بسیار خوب است و بعد دوباره همین کار را از اول تکرار کنید.



احیای خون حسن

علی‌السّلَّمِ

حداده عاشورا، علی‌رغم صحنه‌های زیبایی از عشق و ایثار، صحنه‌های غم‌انگیز بسیاری رانیز در خود داشت؛ به گونه‌ای که به واقع، آن را می‌توان یک تراژدی بزرگ خواند.

در این تراژدی، دنیاپرستان و خود کامگان، چنان صحنه‌های دهشتناکی را از درته خوبی خود، به نمایش گذاشتند که پس از چهارده قرن، هنوز هم داغ فجایعی که بر امام حسین ع و اهل بیت‌ش رواداشته شد، تازگی دارد؛ که البته، همین امر، مکتب تشیع رازنده و پویانگه داشته است.

اگرچه پس از پایان پذیرفتن فاجعه عاشورا، بسیاری به خود آمدند و به فکر انتقام‌گیری از جنایتکاران واقعه کربلا افتادند و تا حدود زیادی نیز موفق شدند که قاتلین شهدای کربلا را به سرای اعمالشان برسانند؛ اما داغی که عاشورا بر دل ائمه ع گذاشت، چیزی نبود که با قیام کسانی چون مختار و تولین، تسکین یابد؛ لذا پیوسته از روزی خبر می‌دادند که شخصی از نسل آنان خواهد آمد و از ظالمین و مستکبرین، انتقام خواهد گرفت.

البته هنگام ظهور حضرت حجت ع تمامی جنایتکاران واقعه کربلا - جز عده‌ای که در رجعت، بازگردانده خواهند شد - وجود ندارند، اما انتقام‌گیری از مستکبران، به منزله انتقام‌گیری از قاتلین امام حسین ع خواهد بود؛ چرا که انتقام‌گیری حضرت مهدی ع از افراد نیست، بلکه از فرهنگ ظلم و بیداد است که علیه مظلومان، اعمال می‌شود. بنابراین نابودی ظالمین و جبارین عالم، به نوعی انتقام خون امام حسین ع و فاجعه عاشورا است.

امام حسین ع در باره چگونگی خون خواهی حضرت حجت ع می‌فرماید: «وَلَهُ لَا يَكُنْ دَيْحَى يَعْثُثُ أَلَهَى مَهْدِى فَيُقْتَلُ عَلَى ذَى مِنَ الْتَّاقِينَ الْكَفَرَةُ الْفَسَقَهُ سَبْعِينَ الْفَأَوَّلِ»؛ «سوگند به خدا؛ خون من از جوشش باز نمی‌ایستد تا اینکه خداوند، مهدی ع را برانگیزد. او به انتقام خون من، هفتاد هزار نفر از منافقان را خواهد کشت».

امام صادق ع نیز در تفسیر ایه «وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلَنَاهُ إِلَيْهِ مُسْلَطَانًا»، فرمودند: «ثُرُثَتْ فِي الْخَسِنِ لَوْقَلَ وَلَيْهِ أَهْلُ الْأَرْضِ مَلَكُنَّ مُسْرَفَأَوْلَيْهِ الْقَائِمُ»؛ «مراد از مظلوم، در این آیه، حضرت امام حسین ع است که مظلوم کشته شد و ولی او، قائم می‌باشد که تمام تجاوزگران زمین را خواهد کشت».

در مورد همین آیه، امام باقر ع نیز فرموده‌اند: «كُنْ أَوْلَيْهِ وَالْقَائِمُ مِنَ إِذَا قَاتَمَ طَلَبَ بِثَارِ الْخَسِنِ، فَيُقْتَلُ حَقِّيْ بِقَالَ قَدَّاسَرَتِ فِي الْقَتْلِ»؛ «ما اولیای دم امام حسین ع هستیم، هنگامی-که قائم- قیام کند، به قدری ظالمان را به هلاکت خواهد رساند که گفته خواهد شد: بسیاری را کشت». در دعای ندبی نیز، این گونه، به این حقیقت اشاره شده است: «أَيُّ الْطَّالِبُ بِدَمِ الْقَتْلِ كَرْبَلَا».

همچنین، بنابر دلالت روایات زیادی، در هنگام ظهور، حضرت مهدی ع و یاران آن حضرت، شعار خون خواهی حسین ع را سرمه دهنده.^۱

در زیارت عاشورانیز می‌خوانیم: «أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ امَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ»؛ «از خداوند می‌خواهم که خون خواهی تو را همراه با امامی که از اهل بیت پیامبر ص است، نصیب من فرماید».

مسئله بازخواست از قاتلین امام حسین ع، چنان مهم است که یکی از القاب حضرت مهدی ع، «منتقم» می‌باشد. بدین ترتیب، چه دلیلی محکم تراز خون خواهی، برای پیوند عاشورا و انتظار وجود دارد؟!

۱. بخار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۹۹.

۲. «هر کس مظلوم کشته شود، ما برای ولی او تسلطی بر ظالم قرار می‌دهیم»؛ سوره اسراء، آیه ۲۳.

۳. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، قم، ج ۳، ص ۴۱۹.

۴. بخار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰.

۵. النجم الثاقب، حسین طبرسی نوری، مسجد جمکران، قم، ۱۳۵۷ ش، ص ۴۶۹.

عصره زیارت اربعین

شاید خلاصه زیارت اربعین در همان چند جمله آخرش باشد که زائر بعد از اینکه معرفت خودش را نسبت به امام حسین علیه السلام اعلام می‌کند که «من به شما معرفت دارم و شما چنین مقام شامخ و والایی دارید...» یک جمله‌ای دارد که شاید اصل جملهٔ زیارت اربعین باشد. آنجا که می‌خوانیم: «وَضَرِيْلُكُمْ مَعْلَةً» (تهذیب الاحکام/۶/۱۱۴) یعنی من آمادهٔ کمک به شما هستم! این اعلام آمادگی برای نصرت، شاید عصارة زیارت اربعین باشد.

جملهٔ بعدی این است: «حَقَّ بِأَذْنِ اللَّهِ لَكُمْ» تا وقتی که خدا به شما اذن بدهد و شما دستور قیام بدهید. و بعد می‌خوانیم: «فَمَعْلَمٌ مَعْلَمٌ لَا مَعْنَى عَدُوُّكُمْ» یعنی «من با شما هستم، من با شما نیستم» در زیارت اربعین، این اعلام موضع را انجام می‌دهیم و بر می‌گردیم. وقتی کسی معنای این جمله را بفهمد و اربعین بیاید در کنار حرم و این جمله را اعلام کند و برگردد، در واقع معناش این است که اعلام حضور کرده است.

در اینجا مراجع عظام، اعلام فرموده‌اند که در ایام نزدیک اربعین، هر روزی نزدیک اربعین هم به کربلا بررسید و زیارت بخوانید و برگردید، زیارت اربعین حساب می‌شود. و اگر این طور نبود و بنا بود که همه فقط در روز اربعین بیایند که اصلاً امکان حضور این‌همه جمعیت در اربعین نبود.

مؤمنینی که در میان این جمعیت انبوه زائرین اربعین به کربلا می‌آیند، فقط یک سلام بدنهند و زیارت اربعین را با توجه ویژه به جملات «وَضَرِيْلُكُمْ مَعْلَةً... فَمَعْلَمٌ مَعْلَمٌ لَا مَعْنَى عَدُوُّكُمْ» بخوانند و برگردند.

اگر دلشان سوخت و آتش گرفت که «من حرم را سیر زیارت نکردم» عیبی ندارد؛ روز یازدهم محرم هم زینب کبری علیها السلام وقتی از کنار گودی قتلگاه رد می‌شد، نتوانست سیر امام حسین علیه السلام را زیارت کند. بگذارند این محبت در دلشان باقی بماند و برگردند و بگویند: «امام حسین؛ دلم در حرمت جاماند...» اشکالی ندارد، این کار قشنگ است، به خاطر اینکه مؤمنین دیگر هم بتوانند بیایند و مختصر زیارت کنند.

پا به ک خسته جامه کی حکای

درست از وسط هیاهوی شهر آدم. از میانه همهمه آخر الزمان که می‌گویند دین را باید چون گلوله آتشین در کف دست نگه داری و من هر روز در تلاش و در هراسم که مبادا از دستش بدھم.

درست از وسط هیاهوی شهری شلوغ و مدرن آمده ام با موسیقی نامزون و کلماتی نامفهوم.

از میان انسان‌هایی عبور کرده و بدین جا رسیده‌ام که که سخت می‌توان زشت و زیبایشان را تشخیص داد. وحشت کرده و پناهنده بدین مسیر آمده‌ام؛ در پی غیور مردی که شنیده‌ام ملجاً است و پنهان.

بین جمعیت چشم می‌چرخان؛ شاید او را ببینم. از این همه تفاوت و تنوع بین مسافران لبخند به لب‌هایم می‌نشینند و اشکی توأم‌چشم‌های مشتاقم رانمور می‌کند. به آسمان نگاه کرده و در دل فریاد بر می‌آورم، «خداندا تو شاهد باش که ما بی توجه به رنگ و نژاد، حتی مذهب و آیین‌مان همگی برای شناخت منجی و مولای خود که آخرین ذخیره توست پا بدين مسیر گذاشته و برای یاری او راهی گشته‌ایم. خداوندا ما را برای یاری او در خونخواهی از مقتول کربلا نصرت ده».

چشم‌های دخترکی خردسال توجه را جلب می‌کند. ظرف کوچک نان و خرما بر دست گرفته، با آن چادر عربی و قدم‌های کوتاهش، از رازیرین اربعین پذیرایی می‌کند. جوانی اروپایی رامی بینم که اشک بر دیدگانش جاری شده و مقابلش زانو می‌زند. سپس هر دو دستش را برای گرفتن نان و خرما پیش برد و مردی دیگر کلامی در گوشش زمزمه می‌کند. همه اینجا به هم نزدیکاند.

چند قدمی بیشتر جلو نرفته‌ام که مردی سالخورد همراه‌می‌شود. خودش می‌گوید اهل کوفه است، اما حاضر نیست ساکن آن باشد. چشمش کم سو شده و پاهایش کم توان، اما آمده.

عبارت «الکوفی لایوفی»^۱ چنان بدنش را لرزانده که پشت دستش را داغ گذاشته، نکند یادش برود نیاکانش روزی فرزند فاطمه^۲ را رها کرده و به دست دشمن سپرده‌ند!

می‌ترسد، می‌ترسد خودش نیز بمیرد بی‌آنکه در مسیر رسیدن به یوسف زهراء‌قدمی برداشته باشد. شنیده این راهپیمایی ابراز ارادت به اlost و اعلام آمادگی برای شهادت در رکابش.

می‌داند پیر است و از کار افتاده اما امیدش شفاعت حبیب‌بن‌مظاهر است به درگاه امام، که ریش سفیدی کند برای اجازه سربازی! به دست‌های خالی ام نگاه می‌کنم. من در این راه با خود چه آورده‌ام؟!

باز پیش می‌روم. عده‌ای زخم‌های مسافران را مدوا می‌کنند و گروهی کفشهای پاره را تعمیر. نمی‌دانم به جنگ در رکاب مهدی^{علی‌الله‌عاصم} می‌روم یا به میهمانی حسین^{علی‌الله‌عاصم}، اما نه! خوب می‌دانم و می‌خواهم که از لشکریان امام زمان باشم که به رزمگاه آمده و خوب می‌دانم هر آن ممکن است او که یقین دارم در این مسیر قیم بر می‌دارد؛ بر من حکمی کند، پس باید آماده باشم به اطاعت، حال چه قرار باشد چون هارون مکی به تنور روم یا سر جدا بر نیزه‌ها!

خاکیمان شاهدند که ما در مسیر تو می‌مانیم و کوفی نمی‌شویم. و «نصرتی لكم معده»^۳. آمده ایم که یاریت کنیم.

۱. کوفیان و فانمی کنند.
۲. یاریم برای شما آماده است

* مامنیر داستان‌پور



در هم و هشدار

۱. جایگاه خواص

بزرگان و خواص جامعه، به میزان اهمیت نقشی که بر عهده دارند، می‌توانند اثرات منفی و مثبتی را در جامعه به جای گذارند؛ لذا می‌باشد مراقب رفتار و عملکردهای خود باشند. دنیاگردی خواص - شبیه آن چه برای طلحه و زبیر در اغاز حکومت حضرت امیر^{علیہ السلام} و شریع قاضی در جریان عاشورا اتفاق افتاد. خطری است که همیشه باید نگران آن بود.

۲. عبودیت

مسئله بندگی خدا و تقواو اخلاص، موضوع بسیار مهمی است که نبود آن، سرمنشأ فتنهها و طغیان گری هاست. تاریخ فراموش نکرده است که عمر سعد، در روز عاشورا به دنبال کسب جایگاه و منزلت دنیوی، بانداختن اولین تیر به سوی اردوگاه حسینی گفت: «أشهدولی عندالامیراني أول من رمي»^۱؛ «نزد ابن زياد شهادت دهید که من اولین نفری بودم که تیر انداختم».

اگر رضایت الهی هدف باشد، انسان در مقابل طواغیت، سر خم نمی‌کند. امروز نیز اگر مردم و به ویژه، مسئولین جوامع اسلامی، رضایت الهی را هدف بدانند، نه تحسین و تشویق‌ها و توهین‌ها و تهدیدات داخلی و خارجی، آنان را از انجام وظیفه باز نمی‌دارد.

۳. کوشش خستگی ناپذیر

حفظ انقلاب، بدون کوشش و تلاش ممکن نیست و زمینه‌سازی برای ظهور نیز بدون فعالیت مجدانه، تحقق نمی‌پذیرد. منتظران واقعی، کسانی اند که شب و روز در راه تحقق اهداف الهی خود تلاش می‌کنند: «الدعا إلی دین اللهِ سراؤْ جهراً»^۲.

۴. اطاعت از رهبری و ولایت فقیه

همه امت و به ویژه خواص، بایستی به رهبری اعتماد نموده و در اطاعت و پیروی از علماء و خاصه، ولی فقیه کوشای باشند و بدانند که بی‌توجهی‌ها و کارشکنی‌ها، نتیجه‌های جز تفرقه و شکست ندارد. گرچه هیچ شخصیتی - هر چند با عظمت - با اهل بیت^{علیہ السلام} و مقام رفیع آنان، قابل مقایسه نیست؛ لیکن حوادث زمان آنان می‌تواند برای عصر مانیز، عبرت و درس باشد. عدم اطاعت و اعتماد مردم نسبت به امیر المؤمنین^{علیہ السلام} و تحمیل ماجراهی حکومت بر ایشان، تنها گذاردن امام حسن و امام حسین^{علیهم السلام} و حوادث بسیار دیگر که عواقب و نتایج تلخی به همراه داشتند، برای همه امت‌ها و مردمان همه اعصار، به ویژه منتظران دوران غیبت، حاوی نکات مهمی است که غفلت از آن، به تکرار نتایج تلخ آن حوادث، خواهد دانجامید.

گرچه امروز، ما از حکومت ظاهري و ظهور امام عصر^{علیه السلام} محروم هستیم؛ اما بی‌گمان، در قبال نائب او وظایفی داریم که اطاعت و اعتماد، از جمله آن‌ها است.

۵. عدم غفلت

حضرت علی^{علیه السلام} فرموده‌اند: «من نَّاَمَ مِنْ نَّمَّ عَنْهُ»^۳؛ «اگر از دشمن غلفت کنید، دشمن از شما غفلت نخواهد کرد».

مقام معظم رهبری نیز این گونه به این حقیقت اشاره کرده‌اند: «هیچ کس را به خاطر غفلت، ستایش نمی‌کنند». غفلت از دشمن و عملکردهای او، هیچ گاه ستدونی نیست و نتیجه‌های جز هزیمت و شکست ندارد.

۱. سید بن طاووس، لهوف، ص ۱۰۰.

۲. احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷.

۳. «لَا يَقْسِمُ بَالَّ مُحَمَّدٌ صَّمِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدًا وَلَا يَسْوَى بِهِمْ مَنْ حَرَثَ نِعْمَتَهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا»، نهج البلاغه، ص ۴۷.

۴. نهج البلاغه، ص ۴۵۲.



شکران

از دولت، ملت و عشایر
عراق تشكّر می‌کنم

من لازم میدانم از دولت، ملت و عشایر عراق که در این آنون بسیار مهم اربعین فداکاری و خدمت کردند، گرم و بزرگواری نشان دادند، تشکر کنم. حادثه‌ی عجیبی بود حادثه‌ی امسال اربعین کربلا. این راه را دشمنان اسلام و دشمنان اهلیت به خیال خود مسدود کرده بودند. بینید چه حرکت عظیمی اتفاق افتاد! وقتی جسمها در کنار هم قرار می‌گیرد، این جور انعکاس پیدا می‌کند.

أرى من الواجب أن أتوجه بالشكر لحكومة العراق، شعب العراق وعشائر العراق الذين بذلوا التضحيات في امتحان الأربعين الشديد الأهمية هذه، قدموا خدمات، أظهروا كمالاً عظمة، لقد كان حدث الأربعين في كربلاء هذه السنة حدثاً عجيباً. القدىحيل لآعداء الإسلام وأعداء أهل البيت أنهم قد نجحوا في سد هذا الطريق. أنظروا أي حراك عظيم الإمام الخامنئي انطلق عندما تصل الأستان، تعكس الصورة بهذا الشكل.

٢٠١٥/٧/٩

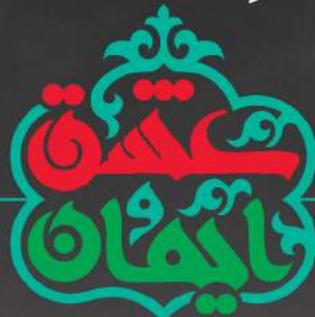
حسین جان!

مُتعجب نشو از من که چرا گیر تو ام
شکر چایی تو حکم نمک را دارد



بوی سیب حرم از سمت سحر می‌آید
قطعِ این فاصله از دستِ تو بر می‌آید

می‌رسد جمیعه‌ای و پیش‌تودم می‌گیریم
عاقبت غربتِ این جمیع به سر می‌آید



حرکت عظیم راهپیمایی اربعین، جلوه‌ای از
ویژگی‌های برجسته‌ی مکتب اهلیت (الله تعالیٰ) است
که در آن، هم «ایمان، اعتقاد قلبی و باورهای راستین»
موج می‌زند هم «عشق و محبت». سی و نهمین سالگرد اربعین

إن حركة مسيرة الأربعين العظيمة مظهر لصفات
مكتب أهل البيت البارزة الذي تَموج فيه صفات
«الإيمان، الاعتقاد القلبي والعقائد الصادقة» إضافة
إلى «العشق والمحبة». الإمام الخامنئي ۲۰/۱۱/۲۰۱۵

